

## سیاست جزایی افغانستان در قبال توقیف غیر قانونی اشخاص

مژده رمزی\*

چکیده

آزادی موهبتی است که خداوند برای همه عطا کرده است: آزادی تن، آزادی رفت و آمد، آزادی عقیده و بیان و.... . سلب آزادی‌های اشخاص، از جمله سلب آزادی تن، حبس و توقیف غیر قانونی اشخاص، در قوانین اساسی به ترتیب از ممنوعیت ساده آغاز و به جرم‌انگاری ختم شده است. قانون اساسی ۱۳۸۲، به اصل قانونی بودن جرم و مجازات‌ها اشاره کرده و در پی آن به ممنوعیت حبس و توقیف غیر قانونی افراد پرداخته و آن را منع کرده است. در کد جزا به‌عنوان آخرین قانون جزایی افغانستان، توقیف غیر قانونی مفصل جرم‌انگاری و حالات مشدده آن به دقت پیش‌بینی شده است. سیاست جزایی افغانستان در قبال توقیف غیر قانونی، سیاست توسعه جرم‌انگاری و تشدید مجازات بوده است تا از این طریق بتواند بر مشکلات اجتماعی ناشی از آن فایز آید. با توجه به رویه نهادهای عدلی-قضایی و تعامل نهادهای امنیتی، به نظر می‌رسد توسعه جرم‌انگاری و تشدید مجازات امر ضروری است.

\*. ماستر حقوق بین‌الملل.

## مقدمه

آزادی از حقوق اولیه انسان‌ها به شمار می‌آید. هر انسانی حق دارد طبق میل خود زندگی کند و از حقوق و آزادی‌های قانونی خود بهره‌مند گردد. آزادی به مثابه حق نخستین هر انسانی که با زادن او همزاد و با مردن او پایان می‌پذیرد، منشأ بسیاری از حقوق فرعی دیگر انسان محسوب می‌شود. به همین جهت، بسیاری از قوانین و اسناد حقوقی ملی و بین‌المللی در راستای حفاظت از کرامت انسانی و تأمین همه‌جانبه آزادی‌های او در چارچوب قواعد و اصول پذیرفته‌شده انسانی به تصویب رسیده‌اند.

حریت و آزادی اشخاص به روش‌های مختلف و با به‌کارگیری از عوامل و اسباب متفاوت، به صورت غیر قانونی، مکرر در جامعه سلب می‌شود و به این ترتیب، کرامت و حیثیت آن‌ها مخدوش می‌شود. یکی از انواع سلب آزادی اشخاص، توقیف غیر قانونی آن‌ها است که علیه آزادی تن انسان‌ها اعمال می‌شود.

توقیف غیر قانونی، تعرض به حقوق انسانی افراد توقیف‌شده، مخالف با اصول حقوق بشری و کرامت ذاتی انسان است. توقیف غیر قانونی اصول عدالت جزایی را نقض می‌کند و آزادی افراد را در معرض تهدید و نابودی قرار می‌دهد. به همین دلیل، این عمل هم در حقوق بین‌الملل و هم در قوانین و مقررات موضوعه افغانستان، به تدریج ممنوع و جرم دانسته شده است.

در این مقاله تلاش می‌شود به این سؤال پاسخ داده شود که سیاست جزایی افغانستان در قبال توقیف غیر قانونی افراد چیست؟ به نظر می‌رسد افغانستان در زمینه توقیف غیر قانونی، سیاست توسعه جرم‌انگاری را در پیش گرفته باشد. به همین دلیل، توقیف را در مرحله تحقیق، تعقیب و رسیدگی جرم‌انگاری کرده است.

## ۱. مفاهیم

برای برقراری ارتباط با مخاطب و دریافت مطالب و مباحث اصلی، لازم است پیش از

همه کلمات کاربردی تحقیق مورد بررسی و مذاقه قرار گیرند. در بحث کنونی نیز با تبعیت از این قاعده کلی، می‌کوشیم به اختصار مفاهیم و واژگان کلیدی این تحقیق را از منظر لغت و اصطلاحات حقوقی مورد بررسی و ارزیابی قرار دهیم.

## ۱-۱. آزادی

آزادی را در لغت به معانی متفاوت اما شبیه هم به کار برده‌اند: رهایی، خلاصی، خلاف بندگی و رقیت که معادل عربی آن، حریت، اختیار، قدرت و استراحت می‌باشد (دهخدا، ۱۳۷۲: ذیل واژه آزادی).

در تعریف و توضیح دیگر، آزادی به معنای حالت کسی است که آزاد است؛ مثل رهایی و خلاصی از قید و بند و از قفس زندان. اما آزادی به مفهوم مطلق مطلوب هیچ‌کس نیست؛ ولی در معنای پذیرفته‌شده آن در همه مکاتب و ایدئولوژی‌ها در حدی است که به حقوق و آزادی‌های دیگران لطمه نزند (مشیری، ۱۳۶۹: ۱۳).

به هر ترتیب، آزادی را به معنای رها بودن از قید و بند، نبودن مانع یا مزاحم برای انجام کاری، گرفتار نبودن، خلاصی و امکان عملی کردن خواسته‌ها به صورت فردی یا جمعی، حق اقدام و انتخاب بدون دخالت دیگران نیز دانسته‌اند (انوری، ۱۳۳۵: ۱۸۹).

طبق اصطلاح حقوق جزا، آزادی در سه حوزه مفهومی و مصادیقی: الف) آزادی موقت؛ ب) آزادی تحت مراقبت؛ ج) آزادی مشروط، قابل بحث و ارزیابی و بررسی است.

## ۱-۲. سلب آزادی

سلب آزادی، به معنای ربودن آزادی، نیست کردن آزادی، به قهر گرفتن آزادی از کسی و از بین بردن آزادی کسی است (دهخدا، ۱۳۷۲: ذیل واژه آزادی). پس، سلب آزادی به معنای از بین بردن آزادی و از میان برداشتن آن است (مشیری، ۱۳۶۹: ۶۰۲).

از نگاه حقوق، سلب آزادی دارای معنای عام و کلی است که شامل حبس، توقیف و بازداشت می‌شود.

### ۳-۱. جلب

جلب به معنای کشاندن از جایی به جای دیگر، کشیده شدن و گناه کردن آمده است (دهخدا، ۱۳۷۲: ذیل واژه جلب).

جلب را به جنایت، گناه، احضار و توقیف نیز معنا کرده‌اند. این واژه به معنای گرفتن، کشیدن و دستگیری کسی است که قانون به بازداشت او حکم کرده است.

در اصطلاح حقوقی، جلب به این معنا به کار می‌رود که محکمه به وسیله ورقه جلب کسی را بخواهد که فرد موظف او را در محکمه بیاورد و تحویل دهد؛ یعنی مدعی علیه را در اثر ورقه جلب به ذریعه پلیس جلب می‌کند؛ یعنی محکمه طبق این برگه به پلیس دستور می‌دهد که مدعی علیه را در محکمه بیاورند.

طبق تعبیر قانون اجرائات جزایی افغانستان، سارنوال و محکمه می‌توانند هر شخصی را که مطابق احکام قانون، بیان یا حضور او را در اجرائات تعقیب عدلی مفید و مؤثر تشخیص دهند، به حضور مکلف سازند. تکلیف به حضور با صدور جلب‌نامه و از طریق پلیس صورت می‌گیرد (قانون اجرائات جزایی، بند ۱ ماده ۹۲).

### ۴-۱. گرفتاری

گرفتاری چون دیگر واژه‌ها به معانی متعددی تفسیر شده است: مبتلا، دچار، در بند، مقید، اسیر و برده، دلباخته و عاشق، صید، نخجیر و پر مشغله بودن (معین، ۱۳۷۹: ۹۰۷).

برخی واژه‌شناسان دیگر نیز در معنای این واژه کلمات دچار، در بند، مقید، اسیر، عاشق و پر مشغله بودن را به کار برده‌اند (دانشگر، ۱۳۸۱: ۶۱۲).

لغت‌نامه دهخدا نیز این واژه را به معنای اسیری، ابتلا، بیچارگی، درماندگی، در بند، عاشق و دلباخته دانسته است (دهخدا، ۱۳۷۲: ذیل واژه گرفتاری).

گرفتاری در اصطلاح حقوقی، از دست دادن آزادی یا آرامش خاطر است. وضع و حالت بسیار سخت و آزاردهنده بازداشت یا مؤاخذه اسیر و گرفتار است (انوری، ۱۳۳۵: ۱۳۴).

طبق حکم قانون اجرائات جزایی، سارنوال یا محکمه و یا پلیس می‌تواند امر گرفتاری شخص

مطلوب را طبق احکام قانون و برحسب احوال موجود، صادر کند و به گرفتاری مظنون اقدام نماید (قانون اجرائات جزایی، ماده ۹۷).

### ۱-۵. احضار

معنای لغوی احضار را حاضر آوردن، حاضر کردن، فراخواندن، دويدن اسب و آهو و غيره به كار برده‌اند (انوری، ۱۳۳۵: ذیل واژه احضار).

احضار به معنای فراخواندن، حاضر آوردن کسی را در محلی خاص نیز گفته‌اند (معین، ۱۳۷۹: ۵۷). از نظر حقوقی، احضار، امر قضایی یا مرجع صلاحیت‌دار دیگر در پیوند به حاضر شدن شخص یا اشخاصی در موعد معین را گویند (همان، ج ۱، ۲۷۳).

همین‌طور، طبق برخی نوشته‌ها، احضار از نگاه حقوقی، امر قضایی یا مرجع صلاحیت‌دار دیگر به حضور مأمور در نزد او در موعد یا زمان معین را گویند (جعفری لنگرودی، پیشین، ۱۶).

### ۱-۶. بازداشت

بازداشت به معنای مضایقه، شیء را در تنگنا قراردادن، منع کردن، تعرض، حد، کف، ردع، زندانی، بندی، جلوگیری کردن، توقیف کردن، حبس کردن، برگرداندن، محبس و زندان است (دهخدا، ۱۳۷۲: ذیل واژه بازداشت).

## بنیاد اندیشه

تأسیس ۱۳۹۴

فرهنگ فارسی عمید آن را به معنای منع، ممانعت، توقیف، حبس، جلوگیری، زندانی کردن و کسی را به زندان انداختن دانسته است (عمید، ۱۳۷۹: ذیل واژه بازداشت).

با توجه به معنای واژه «بازداشت» در فرهنگ‌های مرجع و معتبر فارسی، این نکته به دست می‌آید که معنای اصلی و قدر جامع این واژه همان «منع» است؛ بقیه معانی یا در تمامی فرهنگ‌ها نیامده است و یا هم به نحوی اگر تمام این معانی را بررسی کنیم، به کلمه منع برمی‌گردد و این معنا به گونه‌ای در همه آن‌ها لحاظ شده است. در اصطلاح حقوق جزا، زندانی کردن متهم به نحو موقت است (مشیری، ۱۳۶۹: ۱۱۵). در این معنا نیز در واقع همان معنای منع است. باز هم طبق اصطلاح حقوق جزا، بازداشت، توقیف کردن، حبس کردن و به زندان افکندن کسی است و نیز به معنای نگهداری متهم در بازداشتگاه یا زندان و دستگیری کسی را به این منظور گویند (صدری افشار، ۱۳۸۲: ۱۸۲).

به هر صورت، بازداشت در اصطلاح حقوق جزا همان «توقیف و حبس کردن متهم» است. به عبارت دیگر، بازداشت، توقیف احتیاطی متهم است که در اصطلاح فقهی به معنای «امساک» و در اصطلاح حقوق مدنی به معنای «توقیف اموال» است.

## ۷-۱. توقیف

توقیف را برخی واژه‌شناسان به ایستائیدن (منع کردن) دست برنجن بر دست کردن، و در اصطلاح امروزی به معنای «دست‌بند زدن» است. توقیف اسم فارسی هم آمده و به معنای حکم به بازداشتن است (نفیسی، ۱۳۴۳: ۵۱۳). برخی توقیف را به وقوف آوردن در حج، واقف گردانیدن کسی را بر چیزی و توقف و درنگ‌دادن معنا کرده‌اند (جمال قرشی).

دهخدا در فرهنگ‌نامه‌اش توقیف را چنین معنا کرده است: ایستائیدن، «دست‌بند» در دست کسی کردن و... حکم به بازداشت کردن و به زندان کردن، بازداشتن است (دهخدا، ۱۳۷۲: ذیل واژه توقیف).

آنچه از توجه به معانی که در فرهنگ‌نامه‌ها برای واژه «توقیف» ذکر شده به دست می‌آید، این است که این کلمه در اصل یک واژه عربی است که معادل فارسی آن بازداشت می‌باشد و به این معنا است که کسی را بازداشت کند و دست‌بند به دست کسی بزند.

در تعبیر و بیان دیگر، توقیف اشخاص در اصطلاح حقوق جزا به معنای بازداشت شخص حقیقی است چه به وسیله مقامات پلیس و مدعی‌العموم و دادگاه‌ها باشد و چه به وسیله اجرای ثبت در اجرائیه‌های ثبتی (همان، ۵۳۳۸).

با توجه به آنچه تا کنون در مورد توقیف گفته شد، می‌توان آن را از منظر حقوق جزا چنین معنا کرد: «سلب آزادی تن شخص با حالت انتظار ترخیص به وسیله مقامات صلاحیت‌دار.»

در قانون اجرائات جزایی چنین تعریف شده است: «نگهداری و سلب آزادی موقت مظنون یا متهم است در مرحله تحقیق و تعقیب عدلی به امر سارنوال یا محکمه در محلی که طبق حکم قانون به آن اختصاص یافته است.» (قانون اجرائات جزایی، بند ۲۸ ماده ۴).

در اصطلاح حقوق مدنی، عبارت است از «مالی که به‌منظور اجرای مفاد احکام دادگاه‌ها یا تعهدات مندرج در سند رسمی توقیف می‌شوند.» (جعفری لنگرودی، پیشین، ۵۳۳۹).

نکته قابل تذکر این‌که به نظر می‌رسد میان توقیف و بازداشت تفاوت اساسی وجود ندارد؛ بنابراین، می‌توان گفت واژه «بازداشت» مرادف فارسی واژه «توقیف» است.

## ۸-۱. حبس

کلمه «حبس»، مثل سائر واژه‌ها، دارای معانی متعدد بوده و در فرهنگ‌ها محمل‌های بسیاری از معنا برای آن ذکر شده است. برخی آن را اسم عربی می‌دانند و به معنای منع و بازداشت متذکر شده است که در لغت فارسی به معنای زندان، محبس، بازداشت، و... به زندان انداختن، در بند و قید نهادن است (نفیسی، ۱۳۴۳: ۵۱۲).

در هر صورت با مراجعه به بسیاری از فرهنگ‌ها و دقت در معانی که برای واژه حبس ذکر کرده‌اند، می‌توان به قدر جامع بین آن‌ها دست یافت و این واژه را از منظر واژه‌شناسان به بازداشتن و دربند کردن معنا کرد (جمال قرشی، پیشین، ۲۳۱)؛ چنان‌که به معنای زندانی کردن، بازداشت کردن و منع کردن نیز معنا کرده‌اند (خلیل‌جر، ۱۳۸۲: ۷۹۹).

حبس یعنی سلب آزادی تن محکوم‌علیه که در مدت‌های قانونی پس از ابلاغ حکم یا ابلاغ اجرائیه ثبتی طوعاً آن را اجرا نکرده و در موعد قانونی عرض حال اعسار خویش را به دادگاهی صلاحیت‌دار تقدیم نکرده است. این نوع حبس در قانون اسلام هم وجود دارد (جعفری لنگرودی، پیشین، ۵۳۳۹).

## بنیاد اندیشه

تأسیس ۱۳۹۴

حبس همان بازداشت افراد مجرم بعد از محکومیت می‌باشد. به عبارت دیگر، حبس در اصطلاح حقوق جزا و فقه عبارت است از: سلب آزادی و اختیار نفس و آمدوشد در مدت معین یا نامحدود؛ به طوری که در زمان آن، حالت انتظار ترخیص وجود نداشته باشد؛ زیرا در صورت انتظار ترخیص، توقیف گفته می‌شود و توقیف همان بازداشت است (همان، ۲۰۸).

حقوق جزای افغانستان نیز در تعریف حبس آن را به دوام، طویل، متوسط و قصیر تقسیم کرده و مدت هر کدام را نیز تعیین کرده است. از منظر حقوق جزای افغانستان، حبس عبارت است از: زندانی ساختن محکوم‌علیه در یکی از محاسبی که از طرف دولت به این منظور تخصیص یافته است (حقوق جزای افغانستان، ماده‌های ۹۹-۱۰۳).

## ۹-۱. اختطاف

واژه اختطاف در لغت به معنای ربودن، ربودن هم‌چو برق (دهخدا، ۱۳۷۲: ذیل واژه اختطاف) و خیره کردن چشم (معین، ۱۳۷۹: ذیل واژه اختطاف) آمده است. به هر صورت، در لغت ربایش سریع و پنهانی را اختطاف می‌گویند.

بند ۱ ماده ۳ قانون مبارزه علیه اختطاف و قاچاق انسان، اختطاف را چنین تعریف کرده است: «ربودن شخص با استفاده از تهدید یا استعمال قوه زور یا انواع دیگر ارباب یا کاربرد حيله و فریب یا با استفاده از ناتوانی جسمی یا روانی یا تبدیل نمودن طفل نوزاد با طفل نوزاد دیگر یا دور نمودن طفل از والدین یا سرپرست قانونی وی و یا رها نمودن طفل در محلی که غیر مسکون است، اعم از این‌که چنین اعمال به مقصد بهره‌برداری باشد یا رسانیدن ضرر.»

قانون جزا در ماده ۴۱۸ شبیه این تعریف را بیان کرده است: «هرگاه شخصی طفلی را که سن هفت سالگی را تکمیل نکرده باشد یا اشخاص دیگری را که به حفاظت خود قادر نباشند، خود یا توسط شخص دیگر اختطاف و یا به محل غیر مسکون رها کند، به حبس متوسط که از سه سال بیش‌تر نباشد، محکوم می‌شود.»

سپس مواد ۴۱۹ تا ۴۲۵ قانون جزا به مصادیق، موارد و حالات مختلف این جرم پرداخته و مجازات آن‌ها را بیان کرده است.

تفاوت این دو جرم را به صورت فشرده در امور زیر می‌توان خلاصه کرد:

۱. تفاوت در ماهیت: اختطاف بیش‌تر با پنهان‌کاری و فریب توأم است و با لایه حيله پیچانده شده است؛ اما توقیف بیش‌تر در قالب زور، تهدید و بدور از ربایش انجام می‌شود؛ هرچند ممکن است گاهی توأم با پنهان‌کاری هم باشد.

۲. تفاوت در متعلق: آن‌چنان‌که از مطالعه مواد قانون به دست می‌آید، متعلق اختطاف بیش‌تر اطفال و کسانی است که توانایی لازم جسمی و روحی در حفاظت و دفاع از خود ندارند؛ اما توقیف اعم از این دایره بوده و شامل کسانی هم می‌شود که توانایی کافی برای دفاع و حفاظت از خود دارند؛ هرچند ممکن است در برخی موارد با هم تلاقی داشته باشند.

۳. تفاوت در مجازات: حداکثر مجازات اختطاف از سه سال بیش‌تر نیست؛ اما حداکثر مجازات توقیف غیرقانونی می‌تواند حبس متوسط باشد یا حسب احوال، حبس طویل که ده سال را



شامل است (قانون جزای افغانستان، مواد ۹۹-۱۰۳، ۱۴-۱۷ و ۱۸-۲۵).

## ۱-۱۰. قاچاق انسان

واژه «قاچاق» به معنای برده و ربوده و آن چیزی است که معامله یا ورود آن به کشور و یا معامله آن از طرف دولت ممنوع است (دهخدا، ۱۳۷۲: ذیل واژه قاچاق). قاچاق به معنای گریزاندن، فرار و ترک وطن است (عمید، ۱۳۷۹: ذیل واژه قاچاق).

در برخی تعاریف، قاچاق این گونه تعریف شده است: «حرکت دادن غیر قانونی و مخفیانه اشخاص در عرض مرزهای ملی عمدتاً از کشورهای در حال توسعه و کشورهای دارای اقتصاد در حال گذار، با هدف نهایی واداشتن زنان و دختران به وضعیت‌های بهره‌کشانه و ستمگرانه از لحاظ جنسی و اقتصادی، به منظور سود به کارگیرندگان، قاچاقچیان و سندیکاهای جنایت‌کار و نیز دیگر فعالیت‌های مرتبط با قاچاق، هم‌چون کار خانگی اجباری، ازدواج دروغین، استخدام مخفیانه و فرزندخواندگی دروغین.» (اشتری، ۱۳۸۰: ۱۹-۲۰).

بند ۲ ماده ۳ قانون مبارزه علیه اختطاف و قاچاق انسان، قاچاق را چنین تعریف کرده است: «انتقال، حمل و نقل (ترانزیت)، استخدام، نگهداری یا در اختیار گرفتن شخص است به مقصد بهره‌برداری با استفاده از ضعف اقتصادی یا حالت مجبوری از طریق پرداخت یا دریافت پول یا منفعت یا سایر روش‌های فریب‌دهنده جهت کسب رضایت مجنی‌علیه یا شخصی که سرپرستی وی را به عهده دارد.»

تأسیس ۱۳۹۴

قاچاق انسان در اسناد بین‌المللی مربوطه نیز چنین تعریف شده است: «اصطلاح قاچاق انسان به معنای جلب، حمل و نقل، نگهداری و دست‌یابی به افراد به وسیله تهدید یا استفاده از زور یا سایر اشکال اجبار، آدم‌ربایی، تقلب، فریب‌کاری، سوءاستفاده از قدرت، حالت آسیب‌پذیری، پرداخت یا حصول پول یا منافع مالی برای تأمین رضایت یک فرد که فرد دیگر کنترل دارد، غرض بهره‌کشی می‌باشد، بهره‌کشی کم از کم شامل بهره‌کشی جهت روسپی‌گری یا فحشا یا سایر اشکال بهره‌برداری جنسی، کار اجباری، بردگی یا اعمال مشابه به بردگی، خدمت اجباری یا برداشت اعضای بدن افراد می‌باشد.»<sup>۱</sup>

۱. پروتکل الحاقی کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه جرایم سازمان‌یافته فراملی در مورد بازدارندگی، فرویشانی و تعزیر قاچاق انسان به‌ویژه زنان (۲۰۰۰م)

## ۲. روند جرم‌انگاری توقیف غیر قانونی در قوانین اساسی افغانستان

برای بررسی سیاست جزایی افغانستان در قبال توقیف غیر قانون اشخاص، لازم است روند جرم‌انگاری و تحول آن در قوانین مختلف بررسی شود تا از این طریق به سیاست جزایی کشور پی برده شود. به این منظور، ابتدا روند جرم‌انگاری در قوانین اساسی افغانستان و بعد از آن، روند تحول در قوانین جزایی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

### ۲-۱. اولین قانون اساسی افغانستان و جرم توقیف غیر قانونی

قانون‌گذار افغانستان در ماده دهم اولین قانون اساسی افغانستان که در سال ۱۳۰۱ به تصویب رسیده است، می‌نویسد: حریت فردی از هرگونه تعرض و مداخله مصون است. هیچ‌کس جز بر اساس حکم فیصله محکمه شرعی و نظامات مقننه توقیف یا مجازات نخواهد شد.

با توجه به این‌که قانون اساسی بحث کلیات است و در آن عناوین کلی اشاره می‌شود و جرم‌انگاری‌ها در قوانین جزایی صورت می‌گیرد، قانون‌گذار توقیف را در زمره حمایت از آزادی آورده و آن را ممنوع اعلام کرده است. در این قانون، قانون‌گذار به جرم‌انگاری نپرداخته است و الا می‌توانست در قانون اساسی نیز بگوید توقیف غیر قانونی اشخاص جرم است و جزئیات آن را به قوانین جزایی واگذار می‌کرد.

### ۲-۲. بررسی جرم توقیف غیر قانونی در دومین قانون اساسی افغانستان

قانون‌گذار افغانستان در اصل ۱۱ دومین قانون اساسی افغانستان که در مجلس بزرگ قومی در ماه سنبله ۱۳۰۹ شمسی و با حضور ۵۲۵ نفر از سران قبایل و اقوام به تصویب رسیده است، چنین می‌نویسد: حریت شخصیه از هرگونه تعرض مصون است. هیچ‌کس بدون امر شرعی و اصول‌نامه‌های موضوعه، توقیف و مجازات نمی‌شود.

با توجه به این‌که ماده قانون اساسی نادرشاه، روشن می‌شود که قانون‌گذار افغانستان به اصل قانونی بودن جرم و مجازات توجه نکرده است و توقیف غیر قانونی اشخاص را نیز به‌عنوان جرم شناسایی نکرده است. این قانون اساسی تا سال ۱۳۴۳ و تا زمان حاکمیت استبدادی ظاهرشاه ادامه داشت و از رسمیت برخوردار بود.

### ۲-۳. بررسی جرم توقیف غیر قانونی در سومین قانون اساسی افغانستان

سومین قانون اساسی افغانستان در مجلس بزرگ قومی با حضور ۴۵۴ نفر در نهم ماه میزان ۱۳۴۳ شمسی به تصویب رسید و با توشیح از سوی ظاهرشاه رسمیت یافت و قانون اساسی نادرشاه ملغا اعلام گردید.

قانون‌گذار افغانستان در اصل ۲۶ این قانون اساسی می‌نویسد: آزادی حق طبیعی انسان است؛ هیچ عملی جرم شمرده نمی‌شود؛ مگر به موجب قانونی که قبل از ارتکاب آن نافذ گردیده باشد. برای آن‌که مراد قانون‌گذار افغانستان از این ماده قانونی روشن شود، توجه به امور ذیل لازم به نظر می‌رسد:

۱. پیام و مفهوم جمله «آزادی حق طبیعی انسان است» آن است که حقوق طبیعی انسان بدون نیاز به استدلال و اثبات، پذیرفته شده است.
۲. عبارت «هیچ عملی جرم شمرده نمی‌شود؛ مگر به موجب قانونی که قبل از ارتکاب آن نافذ گردیده باشد» دلالت دارد بر این‌که قانون‌گذار افغانستان اصل قانونی بودن جرم و مجازات را به صورت قانونی پذیرفته است.
۳. از نظر حقوقی، پذیرش اصل قانونی بودن جرائم و مجازات بسیار مهم است و برای حفظ حقوق و آزادی‌های فردی اثر مثبت دارد. **بنیاد اندیشه**
۴. بررسی جرم توقیف غیر قانونی در چهارمین قانون اساسی افغانستان

چهارمین قانون اساسی در زمان ریاست جمهوری محمدداود خان به تاریخ ۲۵ دلو ۱۳۵۵ شمسی تصویب گردید. در ماده ۳۴ این قانون اساسی آمده است: برائت ذمه حالت اصلی است. متهم تا وقتی که به حکم قطعی محکمه با صلاحیت محکوم‌علیه قرار نگیرد، بی‌گناه شناخته می‌شود. هیچ عملی را نمی‌توان جرم شمرد؛ مگر به موجب قانون. هیچ‌کس را نمی‌توان مجازات نمود؛ مگر مطابق به احکام قانونی که قبل از ارتکاب فعل مورد اتهام نافذ گردیده باشد. هیچ‌کس را نمی‌توان تعقیب، گرفتار یا توقیف نمود؛ مگر مطابق به احکام قانون.

دقت در این ماده نکات زیر را به دست می‌دهد:

از نظر ماده فوق، اصل اولی نسبت به متهم برائت ذمه و بی‌گناه بودن است تا آن هنگام که

دادگاه با صلاحیت حکم به محکومیت متهم صادر کند که از آن به بعد، طبق صریح حکم این ماده قانون، فرد متهم، مجرم یا محکوم علیه نامیده می‌شود.

۱. از نظر این ماده اصل قانونی بودن جرم و مجازات پذیرفته شده است.

۲. اصل قانونی بودن وقتی مورد پذیرش رسمی قرار گرفت، معنایش آن است که جرم به حکم قانون جرم می‌شود و مجرم و محکوم علیه نیز به حکم قانون مجرم شناخته و نامیده می‌شود و مجازات هم به حکم قانون مجازات قانونی می‌گردد که محکمه صالح به آن حکم می‌کند.

۳. بررسی جرم توقیف غیر قانونی در پنجمین قانون اساسی افغانستان

در ۲۵ حمل ۱۳۵۹، پنجمین قانون اساسی افغانستان تحت عنوان «اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان» توسط شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان در ۶۸ ماده به طور موقت تصویب و از اول ثور ۱۳۵۹ به اجرا گذاشته شد.

در ماده ۳۰ این قانون اساسی، مصوب زمان ترکی، می‌نویسد: هیچ‌کس را نمی‌توان متهم به ارتکاب جرم نمود؛ مگر مطابق به احکام قانون. هیچ‌کس را نمی‌توان گرفتار و توقیف نمود... هیچ‌کس را نمی‌توان مجازات نمود؛ مگر به حکم محکمه و مطابق به احکام قانونی که هنگام ارتکاب فعل مورد اتهام نافذ باشد. متهم حق دفاع را دارد. متهم تا زمانی که به حکم قطعی محکوم نشده باشد، بی‌گناه شناخته می‌شود.

توجه به این ماده نیز به نکات زیر منتج می‌شود:

۱. کسی می‌تواند کسی را متهم به ارتکاب جرم کند که متهم بودن وی را بپذیرد؛ یعنی احتمال این‌که او مرتکب جرم شده است، در مورد او وجود داشته باشد و اگر احتمال ارتکاب او اصلاً معقول نباشد، نمی‌توان او را متهم نامید و مورد تعقیب یا گرفتاری قرار داد.

۲. هم‌چنین، هیچ‌کس را نمی‌توان گرفتار و توقیف کرد؛ مگر مطابق به احکام قانون.

۳. در مرحله تحقیق و رسیدگی و حکم صادر کردن و اجرای مجازات قانونی هم باید مجازات به حکم محکمه با صلاحیت و مطابق به احکام باشد.

۴. قانون کیفری هم باید قبل از ارتکاب فعل مورد اتهام نافذ باشد.

۵. متهم بعد از آن‌که به حکم قانون متهم شناخته شود، حق دفاع را دارد.

۶. متهم از آغاز متهم است و تا زمانی که به حکم قطعی محکمه محکوم نشود، بی‌گناه شناخته می‌شود.

۷. بررسی جرم توقیف غیر قانونی در ششمین قانون اساسی افغانستان

ششمین قانون اساسی افغانستان در زمان داکتر نجیب‌الله، رئیس‌جمهور رژیم کمونیستی افغانستان، در سیزده فصل و ۱۴۹ ماده به‌عنوان مهم‌ترین وثیقه ملی با تشکیل لویه‌جرگه به تصویب رسید و به تاریخ ۱۳۶۶/۹/۸، نجیب‌الله آن را توشیح کرد و اصول اساسی جمهوری دمکراتیک افغانستان را ملغاً اعلام کرد.

در اصل ۴۱ این قانونی اساسی افغانستان چنین آمده است:

آزادی حق طبیعی انسان است. این حق جز آزادی دیگران و منافع عامه که توسط قانون تنظیم می‌شود، حدودی ندارد.

آزادی و کرامت انسان از تعرض مصون بوده... براءت ذمه حالت اصلی است. متهم تا زمانی که به حکم قطعی محکمه محکوم نشده باشد، بی‌گناه شناخته می‌شود.

هیچ عملی را نمی‌توان جرم شمرد؛ مگر مطابق به احکام قانون.

هیچ‌کس را نمی‌توان گرفتار و توقیف نمود؛ مگر مطابق به احکام قانون.

هیچ‌کس را نمی‌توان متهم به ارتکاب جرم نمود؛ مگر مطابق به احکام قانون.

هیچ‌کس را نمی‌توان مجازات نمود؛ مگر به حکم محکمه و مطابق به احکام قانون و متناسب به جرمی که مرتکب شده است.

از توجه به ماده فوق نتایج زیر روشن می‌شود:

۱. آزادی حق طبیعی انسان است.
۲. حق آزادی افراد در جامعه مطلق نیست؛ بلکه محدود است به این‌که به آزادی دیگران یا به منافع عامه صدمه نزند که توسط قانون تنظیم می‌شود.
۳. کرامت انسان معنا و تعریف نشده و متأسفانه مهمل و مبهم گذاشته شده است.
۴. براءت ذمه حالت اصلی است.

۵. متهم تا قبل از صدور حکم بی‌گناه است.

۶. جرم باید به وسیله قانون معین و مشخص گردد.

۷. تعقیب کسی و گرفتار کردن او هم باید مطابق به حکم قانون باشد.

۸. هم‌چنین، توقیف متهم یا مجازات کسی نیز به حکم محکمه و مطابق با قانون باشد.

#### ۴-۲. بررسی جرم توقیف غیر قانونی در آخرین قانون اساسی افغانستان

آخرین قانون اساسی افغانستان در ۱۲ فصل و ۱۶۲ ماده توسط لویه‌جرگه تاریخی کابل در تاریخ ۱۳۸۲/۹/۲۶ تا ۱۳۸۲/۱۰/۱۴ هجری شمسی، در شهر کابل به اتفاق آراء تصویب و در تاریخ ۱۳۸۲/۱۱/۶ توسط حامد کرزی توشیح گردیده است.

در ماده ۲۷ این قانون اساسی چنین آمده است: هیچ عملی جرم شمرده نمی‌شود؛ مگر به حکم قانونی که قبل از ارتکاب آن نافذ گردیده باشد. هیچ شخصی را نمی‌توان مجازات نمود؛ مگر به حکم محکمه با صلاحیت و مطابق به احکام قانونی که قبل از ارتکاب فعل مورد اتهام نافذ گردیده باشد.

در ماده ۲۴ همین قانون آمده است: آزادی حق طبیعی انسان است. این حق جز آزادی دیگران و مصالح عامه که توسط قانون تنظیم می‌شود، حدودی ندارد. آزادی و کرامت انسان از تعرض مصون است، دولت به احترام و حمایت از آزادی و کرامت انسان مکلف می‌باشد.

دقت در این ماده نکات زیر را نتیجه می‌دهد:

۱. اصل قانونی بودن جرم و مجازات مورد پذیرش قرار گرفته است.
۲. اصل عطف به ماسبق نشدن قوانین کیفری نیز به رسمیت شناخته شده است.
۳. آزادی که حق طبیعی انسان است، محدود به دو حد است: یکی آزادی دیگران و دوم مصالح عامه جامعه که هر دو حد توسط قانون تنظیم می‌شود.
۴. بر آزادی و کرامت انسان بدون تعریف و نشان دادن مصادیق قانونی آن حکم مصون بودن را جاری کرده است؛ اگرچه جرم بودن بازداشت غیر قانونی از این ماده استنباط می‌شود؛ لیکن جرم‌انگاری کافی نیست. بدین جهت، قوانین جزایی که در افغانستان تصویب گردیده است، به ترتیب مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

## ۳. روند جرم‌انگاری توقیف غیر قانونی در قوانین جزای افغانستان

### ۳-۱. بررسی جرم توقیف غیر قانونی در اولین قانون جزای افغانستان

قانون‌گذار در اولین قانون جزای افغانستان، به تبع از اولین قانون اساسی افغانستان، توقیف و حبس غیر قانونی را به‌عنوان جرم شناسایی نکرده و برای مرتکب آن جزای قانونی مقرر نکرده است.

دلیل این‌که در اولین قانون جزای افغانستان به جرم‌انگاری توقیف غیر قانونی توجه نشده است، شاید این باشد که در آن روزگار در تمام لایه‌های حکومت و قدرت، استبداد موج می‌زد و از شاه تا پلیس مملکت در حبس و توقیف غیر قانونی افراد دست باز داشته‌اند. با این حساب، توقیف کردن افراد یک امر عادی برای دولت‌مردان آن روز تلقی می‌شد و به همین خاطر، قانون‌گذار یا به این نکته اصلاً متوجه نشده است یا در صورت توجه اما جوّ حاکم مانع تصویب چنین حکمی در پیوند به جرم توقیف و حبس غیر قانونی شده است.

در سال ۱۳۴۴ ه.ش، قانون اجرائات جزایی افغانستان تصویب گردید که قانون‌گذار افغانستان در ماده ۳۵ آن چنین می‌نویسد: گرفتاری و توقیف انسان جواز ندارد؛ مگر به امر مقاماتی که قانون به آن‌ها صلاحیت داده باشد. توقیف متهم به امر قاضی محکمه ابتدائیه مربوط صورت می‌گیرد.

تأمل در این ماده ثابت می‌سازد که در این قانون، قانون‌گذار افغانستان نیم‌نگاهی به مسئله توقیف و حبس غیر قانونی انداخته و آن را مربوط به امر مقام و امر قانونی با صلاحیت دانسته و چنین مقرر کرده است که توقیف و حبس کسی بدون امر مقام صالح جواز ندارد. مفهوم این بند ماده فوق غیر قانونی شمردن توقیف و بازداشت‌های خودسرانه است که بدون دلیل منجر به سلب آزادی افراد می‌شود.

این اندازه توجه به حبس و توقیف هرچند ناچیز و ناقص است و نمی‌تواند پاسخ‌گوی نیازمندی‌های قانونی یک کشور باشد؛ اما همین اندازه توجه باعث شد که در قانون جزای بعدی این توجه عمیق‌تر و ریشه‌دارتر شود. قانون اجرائات جزایی افغانستان از سال ۱۳۴۴ ه.ش. رسمیت یافت و جریان قانونی به خود گرفت.

## ۲-۳. بررسی جرم توقیف غیر قانونی در دومین قانون جزای افغانستان

در سال ۱۳۵۵، در زمان محمدداود خان، اولین رئیس جمهور افغانستان، دومین قانون جزای افغانستان تدوین و به تصویب مجلس وزرا رسید و در ۳۱ سنبله ۱۳۵۵ با توشیح رئیس جمهور نافذ اعلام گردید که از آن تاریخ به بعد تا حال در کشور رسمیت دارد و مرجع دادرسی‌ها در دادگاه و محاکم کشور می‌باشد.

در ماده دوم این قانون جزای افغانستان چنین آمده است: هیچ عملی جرم شمرده نمی‌شود؛ مگر به موجب قانون.

در ماده ۴۱۴ همین قانون چنین آمده است: شخصی که در غیر احوال مصرحه قانونی یا بدون امر مقامات صلاحیت‌دار شخصی دیگری را گرفتار، توقیف یا از کار منع کند، حسب احوال به حبس متوسط محکوم می‌شود.

از مجموع بررسی‌های دو قانون جزا به این نتیجه می‌رسیم که برای اولین بار در دومین قانون جزای افغانستان که به تاریخ ۱۳۵۵/۶/۳۱ تصویب شده است، توقیف غیر قانونی جرم‌انگاری شده است و در آن مشخص گردیده است که حبس و توقیف اگر به امر مقام صلاحیت‌دار باشد و یا به تجویز صریح قانون باشد، قانونی است و در غیر این دو صورت، توقیف غیر قانونی شمرده می‌شود و برای مرتکب آن در سه درجه مجازات‌های خفیف، شدید و شدیدتر معین گردیده است.

دیدیم که ماده فوق، توقیف یا گرفتاری را منوط به امر مقام صلاحیت‌دار ساخت و در صورتی که چنین باشد، توقیف غیر قانونی نخواهد بود. مقام صلاحیت‌دار از نظر قانون افغانستان قرار ذیل است:

۱. اگر قاضی محکمه ابتدائیه امر به گرفتاری و احضار متهمی صادر کند و مأمور وظیفه‌دار آن متهم را گرفتار و احضار نماید، از نظر قانون‌گذار افغانستان این گرفتاری و احضار قانونی می‌باشد.
۲. رئیس محکمه امر گرفتاری متهمی را صادر کند و مأمور موظف آن متهم را گرفتار کند، به نظر قانون‌گذار افغانستان قانونی خواهد بود.



۳. قاضی تحقیق یا بازپرس در هنگام تحقیق امر به توقیف متهم را صادر نماید و مأمور مؤظف متهم را توقیف کند، از نظر قانون گذار افغانستان قانونی است.

۴. قاضی دادگاه کیفری امر گرفتار و احضار شاهد را صادر نماید و مأمور مؤظف شاهد را احضار کند، از نظر قانون گذار افغانستان قانونی است.

۵. محکمه تمیز فقط به جلب و احضار طرفین دعوا عنداللزوم اقدام می‌تواند.

بدین ترتیب، از دیدگاه قانون گذار افغانستان، در هر جا که قانون صریح و روشن اجازه گرفتاری یا احضار یا توقیف کسی را به فرد خاص یا به عموم افراد ملت داده باشد، آن جا هم گرفتاری یا توقیف قانونی است.

مواردی که قانون افغانستان به صورت صریح اجازه دستگیری افراد را داده است، قرار ذیل است:

۱. طبق ماده ۳۳ قانون اجرائات جزایی افغانستان، هر شخص می‌تواند شخص دیگر را در صورت مشاهده به ارتکاب جرم دستگیر کند.

به اساس این ماده، اجازه صریحی که در آن وجود دارد، عمومی و همگانی است؛ یعنی هر کس می‌تواند شخص دیگری را در صورت مشاهده ارتکاب جرم دستگیر کند.

۲. طبق ماده ۳۰ قانون اجرائات جزایی موقت، پلیس عدلی صلاحیت دارد در دو مورد شخص را بدون دستور مقام صالح گرفتار و دستگیر کند: الف) حین ارتکاب جرم؛ ب) شخصی که مرتکب جنایت قلمداد شده و امکان غایب شدن او متصور باشد و ...

با توجه به این مواد قانونی، دریافتیم که از نظر قانون گذار افغانستان، احوال مصرحه قانونی و امر مقام صلاحیت دار از مصادیق حکم توقیف غیر قانونی را ندارد و در این موارد نمی‌توان گفت شخص مرتکب توقیف خودسرانه شده است.

### ۳-۳. بررسی جرم توقیف غیر قانونی در کد جزای افغانستان

در سال ۱۳۹۶، کد جزای افغانستان به صورت فرمان تقنینی رئیس جمهور توشیح و در جریده رسمی نشر گردید. با نشر این قانون، قوانین جزایی دیگر نسخ شد. در کد جزا در مواد ۵۸۵ تا

۵۹۰ راجع به جرم‌انگاری توقیف غیر قانونی، مجازات آن و حالات و عوامل مشدده جرم اشاره شده است (کد جزای مصوب ۱۳۹۵، مواد ۵۸۵ - ۵۹۹).

ماده‌های فوق، به شمول مواد فوق‌الذکر کد جزایی، مثل ماده ۴۱۴، به جرم‌انگاری توقیف غیر قانونی پرداخته و در واقع از نظر قانونی این عمل را از مصادیق جرم پنداشته است؛ اما افزون بر آن، این ماده‌ها حاوی نکات زیر نیز می‌توانند باشند:

۱. ضمن آن‌که توقیف غیر قانونی جرم پنداشته می‌شود، اما مرتکب این جرم اگر کسی باشد که لباس رسمی مؤظفین دولت، مثل پلیس و نیروی نظامی، را برای انجام این کار به تن کرده باشد، جرم آن شدیدتر خواهد بود و در واقع یکی از عوامل تشدید مجازات جرم، به‌کارگیری لباس رسمی مؤظفین دولتی است (کد جزای افغانستان، بند ۱ و ۳ ماده ۵۸۷).  
۲. اتصاف به اوصاف دروغ و انتساب به عناوین کذب و نیز استفاده از اوامر جعلی قانونی دولتی، از دیگر عوامل مشدده مجازات به حساب می‌آید (همان، بند ۳ و ۴ ماده ۵۸۷).

۳. بدین ترتیب، توقیف توأم با جبر، اکراه، تهدید، اذیت بدنی و نیز انجام آن از سوی مؤظفین رسمی دولت که امر توقیف را ندارد و خودسرانه و با سوءاستفاده از موقعیت رسمی خود دست به این کار می‌زند، از عوامل و اسباب تشدید مجازات محسوب می‌شود (همان، بند ۲ ماده ۵۸۷).

۴. مجازات معاون جرم توقیف غیر قانونی حبس متوسط است؛ با این وصف که مدت آن بیش‌تر از سه سال نباشد.

۵. در فقره پنجم ماده ۵۸۷ کد جزایی افزون بر عوامل ذکرشده، یکی دیگر از عوامل و حالات مشدده جرم، توقیف غیر قانونی اشخاص به مدت بیش‌تر از یک ماه ذکر شده است.

کد جزایی به‌صورت صریح در دو ماده به عنصر قانونی جرم تصریح کرده است:

۱. در ماده ۷ کد جزایی چنین تصریح شده است: «(۱) هیچ عملی جرم شمرده نمی‌شود؛ مگر به حکم قانونی که قبل از ارتکاب آن نافذ گردیده باشد؛ (۲) هیچ جزایی را نمی‌توان تطبیق نمود؛ مگر این‌که در این قانون تصریح شده باشد.» (کد جزایی مصوب ۱۳۹۵: بند ۱ و ۲ ماده ۷)

۲. در ماده ۳۲ کد جزایی چنین آمده است: «(۱) عنصر معنوی جرم عبارت از تصریح عمل

جرمی و جزای معین آن در این قانون می‌باشد؛ ۲) اصل قانونیت جرم و جزا در ماده ۷ این قانون تصریح گردیده است.»

در قانون جزا نیز در ماده دوم به صراحت چنین آمده است: «هیچ عملی جرم شمرده نمی‌شود؛ مگر به موجب قانون.»

نکات قابل استفاده از این ماده‌ها:

۱. اصل قانونی بودن جرم و مجازات: یعنی جرم زمانی جرم تلقی می‌شود که افزون بر انگیزه درونی مرتکب و وقوع فعل یا ترک فعل در عالم خارج، قانون نیز آن را جرم بیندارد و بشناسد.

۲. عطف به ماسبق نشدن جرایم و مجازات‌ها: یعنی قانون مربوط به آینده است و از زمان تنفیذ به بعد را شامل است و اعمالی که قبل از انفاذ آن به‌عنوان جرم واقع و محقق شده باشد، مشمول قانون نخواهد بود.

۳. عنصر معنوی نیز زمانی محقق می‌شود که در قانون عمل جرمی و جزای آن به صراحت به رسمیت شناخته شده باشد.

افزون بر قانون جزا و کد جزایی که به‌صورت خیلی صریح به جرم‌انگاری توقیف غیر قانونی و تعیین مجازات برای مرتکب آن پرداخته است و عنصر معنوی جرم را به صراحت توضیح داده است، در سایر قوانین نیز توقیف غیر قانونی جرم پنداشته شده است. از جمله قانون پلیس در ماده‌هایی که ناظر به اقدام پلیس است و نحوه و موارد اقدام را بیان و بازگو می‌کند، با دلالت فحوایی و مفهومی ثابت می‌سازد که توقیف در غیر مواردی که در قانون تعیین شده است، جرم پنداشته می‌شود و مخالف قانون است.<sup>۱</sup>

در ماده یازدهم قانون پلیس چنین آمده است: «پلیس می‌تواند در موارد آتی به توقف و تثبیت هویت اشخاص اقدام نماید:

۱. به‌منظور دفع خطر و جلوگیری از ارتکاب جرم؛

۲. به‌منظور کنترل اسناد عبوری در سرحدات، بنادر و میدان‌های هوایی بین‌المللی کشور؛

۱. ماده‌های ۹ تا ۱۴ قانون پلیس به موارد و نحوه اقدامات پلیس پرداخته است که از مطالعه آن‌ها می‌توان با دلالت التزامی به جرم بودن توقیف غیر قانونی پی برد.

۳. به منظور کشف جرم و گرفتاری مظنون و متهم و...»

مفهوم مخالف این بند ماده یازدهم دو چیز می تواند باشد:

۱. اقدام پلیس راجع به توقیف اشخاص در غیر موارد ذکر شده در قانون، خلاف مقررات قانونی بوده و جرم پنداشت می شود.
  ۲. هر کسی که بدون امر و با استفاده از لباس رسمی پلیس، به توقف اشخاص به هر نیت و منظوری اقدام کند، خلاف قانون بوده و جرم محسوب می شود.
- با این وصف، می توان گفت در قانون پلیس هر چند به صورت صریح به جرم پنداشتن توقیف غیر قانونی اشاره نشده است؛ اما به صورت ضمنی این حقیقت که توقیف غیر قانونی جرم است، مورد اشاره و توجه قرار گرفته است.

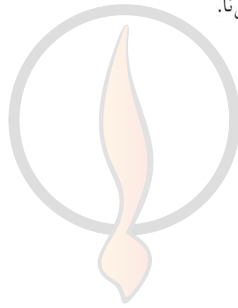
## نتیجه گیری

در قوانین افغانستان توقیف غیر قانونی اشخاص روند جرم‌انگاری تدریجی را پیموده است. در قانون اساسی اول تا قانون اساسی ۱۳۸۲ به تدریج بحث اصل قانونی بودن جرم و مجازات‌ها مطرح و در زمینه جرم‌انگاری توقیف و حبس غیر قانونی اشخاص، قانون‌گذاری صورت گرفته است. در قانون جزا هم به همین ترتیب از قانون جزای اول تا کد جزای ۱۳۹۶ توقیف غیر قانونی جرم‌انگاری و برای مرتکبین آن، اعم از مقامات قضایی و غیر آن، مجازات تعیین شده است؛ بنابراین، سیاست جزایی افغانستان در قبال جرم توقیف غیر قانونی اشخاص از ممنوعیت ساده بدون ضمانت اجرا به سمت جرم‌انگاری و تعیین مجازات برای مرتکبین پیش رفته است.

## منابع

۱. اشتری، بهناز (۱۳۸۰)، قاچاق زنان، بردگی معاصر، تهران، انتشارات اندیشه برتر.
۲. انوری، حسن (۱۳۳۵)، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، انتشارات خیام.
۳. پروتکل الحاقی کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه جرایم سازمان‌یافته فراملی در مورد بازدارندگی، فرونشانی و تعزیر قاچاق انسان به‌ویژه زنان (۲۰۰۰م).
۴. جمال قرشی، ابوالفضل محمدبن عمر، صراحة اللغه، بی‌جا، بی‌تا.

۵. خلیل جر (۱۳۸۲)، فرهنگ لاروس، ترجمه سید حمید طیبیان، تهران، بی‌نا.
۶. دانشگر، احمد (۱۳۸۱)، فرهنگ فارسی نوین، تهران، انتشارات حافظ نوین.
۷. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۲)، لغت‌نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۸. صدری افشار، غلام‌حسین (۱۳۸۲)، فرهنگ معاصر، تهران، بی‌نا.
۹. عمید، حسن (۱۳۷۹)، فرهنگ فارسی عمید، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۱۰. قانون اجرائات جزایی.
۱۱. قانون پلیس، ماده‌های ۹ تا ۱۴.
۱۲. قانون جزا، ماده‌های ۹۹ تا ۱۰۳ و ۴۱۴ تا ۴۱۷ و ۴۱۸ تا ۴۲۵.
۱۳. کد جزا، مصوب ۱۳۹۵، ماده‌های ۵۸۵ تا ۵۹۹.
۱۴. مشیری، مهشید (۱۳۶۹)، فرهنگ زبان فارسی، تهران، انتشارات سروش.
۱۵. معین، محمد (۱۳۷۹)، فرهنگ فارسی معین، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۱۶. نفیسی، علی‌اکبر (۱۳۴۳)، فرهنگ نفیسی، بی‌جا، بی‌نا.



بنیاد اندیشه

تأسیس ۱۳۹۴